

طلوع حضرت رضا (ع) در خراسان

موضوع این مقاله مسافرت حضرت رضا به خراسان است . بنا براین با توجه باین که همواره برگهای زرین زندگی درخشان آن حضرت زیب اوراق تاریخ کهن سال ایران و جهان اسلام خواهد بود در باره معجزات و کرامات عدیده ای که از آن حضرت بمنصه ظهور رسیده و مباحثات و احتجاجات ایشان با بزرگان مذاهب و فرق مختلف که تفسیر آنها در کتب مربوطه تواریخ مندرج است بحثی نداریم و خوانندگان علاقه مند می توانند به کتابهایی که در این باره نوشته شده است مراجعه فرمایند (۱) .

به استناد تاریخ گزیده و مجمل فصیحی (به تصحیح استاد فرخ) می دانیم که هرون الرشید خلیفه عباسی در سنه ۱۹۳ هجری در طوس درگذشت و دردار حمید بن قحطبه مدفون شد . پس از مرگ هرون بین دو پسرش محمد امین و ابوجعفر مامون بر سر خلافت نزاع افتاد . مامون که مادرش ایرانی و مراجل نام بود در خراسان حکومت می کرد و مورد توجه ایرانیان بود و وزیرش فضل بن سهل سرخسی نیز او را تقویت می کرد و به خصومت با امین برمی انگیخت . بالاخره مامون با کمک سردار بزرگ ایرانی خود طاهر بن حسین بن مصعب ملقب به ذوالیمینین در حدود ری سپاهیان امین را که سردار آنها علی بن عیسی بن ماهان بود شکست داد و امین هم کشته شد و مامون در سال ۱۹۸ هجری بدون رقیب ماند و برمسند خلافت نشست .

۱ - از قبیل عیون اخبار الرضا - ارشاد شیخ مفید - تفسیر مجمع البیان طبرسی

مستدرک علامه نوری - مناقب ابن شهر آشوب - بحار الانوار مجلسی - کرامات الرضویه

حدیقه الرضویه ادیب هروی

در آن زمان در سرزمین پهناور و آباد خراسان : طوس و طابران و نوقان و سناباد و شهرهای دیگری از قبیل نیشابور ، و سرخس و مرو حائز اهمیت بودند و با آنکه مرکز خلافت عباسی در بغداد بود مامون مقرر خلافت خود را در مرو قرار داده بود و بیشتر در آن جا می نشست . در زمان حکومت مامون در گوشه و کنار قلمرو و خلافت بتدریج شورش و هرج و مرج بظهور پیوست . چنانکه در تواریخ نوشته اند در آغاز خلافت مامون در عربستان شورشهایی از طرف علویان و زیدی ها روی داد. زید بن موسی الکاظم معروف به زیدالنتار به همراهی برادرش ابوالسرایا در ناحیه انبار و بصره طغیان کردند (۲). همچنین در بغداد مرکز خلافت عباسی مردم به مخالفت با حسن بن سهل و اعتراض با رفتاری که نسبت به هرثمه شده بود شورش کردند و طرفدار خلافت منصور بن مهدی بودند. در شهر کوفه هم یکی از علویان بنام ابن طباطبا شورش کرد و در شهر مقدس مکه هم علوی دیگری از نسل علی افطس پیدا شد ولی هیچیک از این قیامها به نتیجه نرسید و مامون که در خراسان بود بکمک سرداران و طرفداران ایرانی خود تمام این غائله ها را رفع کرد .

مامون همیشه بحمايت دين و دانش متظاهر بوده دانشگاه بزرگ اسلامی بنام بیت - الحکمه که کتابخانه و رصدخانه مهمی داشت در زمان او برپا شد. شافعی و احمد بن حنبل دوفقیه بزرگ اهل سنت در زمان او می زیستند و مجالس مباحثه علمی و دینی دائر بود. تا اینکه مامون که به عقیده معتزله علاقه مند شده بود به تحریک و تشویق وزیرش فضل سرخسی حضرت رضا (ع) را به ولیعهدی خود انتخاب کرد . نوشته اند بعد از آن که مامون دو سال و کسری در مرو بسر برد وزیرش باو گفت « نذر کرده بودی اگر موفق شوی ولیعهد خود را از علویان انتخاب کنی و فعلا کسی بهتر و شایسته تر از حضرت رضا نیست» (۳). این بود که مامون نامه ای بخط خود نوشت و دونفر را بنام جابر بن ضحاک و فرناس بخدمت حضرت به مدینه گسیل داشت. هند و شاه می نویسد نامه مامون و جواب

۲- تاریخ اسلام استاد فیاض - و برای تفصیل مطلب رجوع کنید به طبری و ابن ثیر .

۳- تاریخ اسلام استاد فیاض ص ۱۴۱

حضرت در خزانه آستانه محفوظ بوده است (۴). بیهقی در این باره می نویسد مامون دو نفر از نزدیکان خود را با دعوت نامه به مدینه فرستاد و آندو با طاهر سردار معروف به خدمت امام همام رسیدند تا مراسم بیعت را از جانب مامون بجا آورند و طاهر دست چپ خود را پیش داشت و گفت « راستم به بیعت خداوند مامون است و چپ فارغ » و بیعت کردند بعد از آن که حضرت را با احترام زیاد به مرو آوردند و مامون بدیدن ایشان رفت حضرت جریان را بازگفت مامون را خوش آمد و گفت « ای امام آن نخستین دستی بود که بدست تو رسید من آن چپ را راست نام نهادم » و از آن پس طاهر را ذوالیمینین (صاحب دو دست راست) لقب دادند و فضل را هم که وزارت و امارت داشت ذوالریاستین گفتند و علی سعید صاحب دیوان چون سمت رسالت خلیفه را هم داشت لقب ذوالقلمین گرفت (۵). و با آمدن حضرت به خراسان نیز ققه اما می فرو نق گرفت و شیعیان و طرفداران حضرت فزونی گرفتند .

برای این که بدانیم حضرت از چه راهی به ایران و خراسان آمده اند و خط سیر ایشان از کدام شهرها بوده است باید بوضع راهها و ارتباطات آن زمان توجه کنیم. از مراجعه به کتابهای تاریخ موقعیت حساس مرو معلوم می شود (۶) زیرا این شهر لشکرگاه اسلام بود و بنی عباس هم در آن جا تقویت شدند و چنانکه گفتیم مامون نیز در آن جا بخلافت نشست . از طرفی سیاحان و شخصیت های بزرگی مثل ناصر خسرو ابن بطوطه و مقدسی - که به ایران آمده و از نواحی خراسان و طوس و سرخس و نیشابور و مرو و یزد و اصفهان و جاهای دیگر گذشته اند - در یادداشت های خود اطلاعات مفیدی داده اند . ابن حوقل بیشتر راههای ایران را مشخص کرده و نوشته است راهی بین نایین و خراسان و طبس و نیشابور بوده است که از مرو به سرخس و از آنجا به طوس می رفتند. ناصر خسرو شرحی در باره راه اصفهان و قاین و یزد که از راه بیابان تا چهارده طبس

۴- تجارب السلف

۵- ایضاً

۶- مسالك وممالك اصطخری

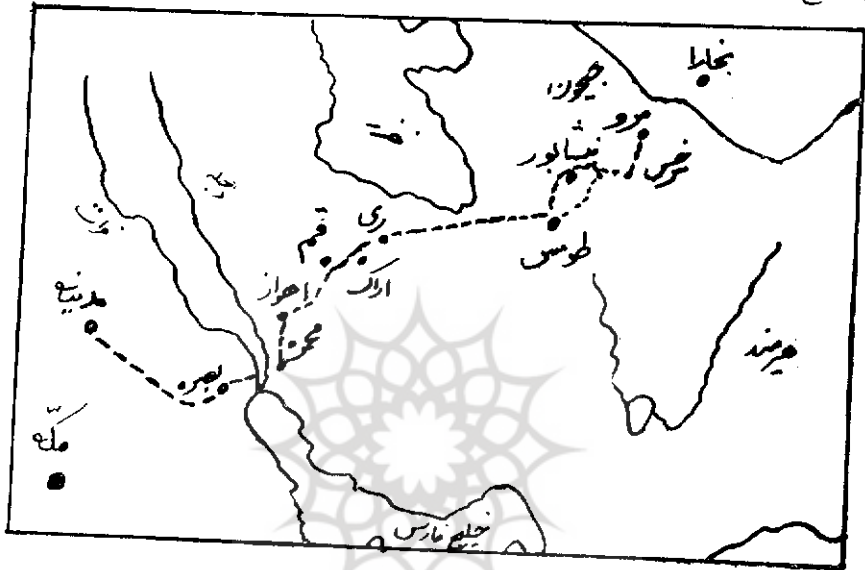
می رفته و از آنجا به تون و سرخس می پیوسته، نوشته است و اشاره کرده است که بین مرو و بصره هم راهی بوده است حتی فرسخ منزل های عرض راه را مشخص کرده است (۷). وی در سفرنامه خود می نویسد از بصره با کشتی به آبادان (عبادان) می روند و از آنجا به مهر و بان نزدیک کازرون و بعد به ارجان و از راه کوهستان به اصفهان بعد نایب و بعد از راه بیابان به چهار ده طبس و از طبس به نیشابور می گذرند. ابن بطوطه هم در رحله خود برای آنکه بین مدینه، مکه، نجف، بغداد، بصره، آبادان، شوشتر و اصفهان بوده است اشاره می کند و اگرچه زمان او نسبتاً موخر است و در زمان او مشهد دایر بوده ولی می توانیم استفاده کنیم که هنوز راه قدیمی بین خوارزم، بخارا، سمرقند، بلخ هرات، جام، طوس، مشهد الرضا، سرخس و نیشابور مورد استفاده بوده است. مخصوصاً از نوشته ابن حوقل جغرافی دان بزرگ قدیم اینطور برمی آید که بین نیشابور و سرخس شش منزل راه بوده و از سرخس تا مرو پنج منزل و از نیشابور تا طوس سه منزل بوده است که باستور می رفته اند. و بین نیشابور و طوس راه دیگری بوده است به قول ابن حوقل راه گردنه که به طوس نزدیک تر و فقط یک منزل بوده است و شاید این راه همان باشد که هنوز اهل کوهپایه برای رفتن به نیشابور از آن استفاده می کنند. راه قدیمی ابریشم نیز که از زمان ساسانیان وسیله ارتباط ایران و روم بوده و از قسطنطنیه تا بکن امتداد داشته از شهرهای معروف و بزرگ قدیم ایران مثل مدائن وری و فرغانه و خوارزم و کشمیر می گذشته است.

بنا بر این تعیین خط سیر دقیق مسافرت حضرت رضا (ع) آسان نیست ولی می توانیم حدس بزنیم که وقتی مامون در سال ۱۹۸ هجری دایمی خود رجاء بن ابی ضحاک والی مدینه را مامور فرستادن حضرت کرد تا حضرت را با احترام بسیار از حجاز به مرو بفرستد (۸)، حضرت را با تشریفات مفصل از راه بصره با کشتی به محمره (خرمشهر) و از آنجا به اهواز و از آنجا به اراک و از آنجا به قم آوردند. سپس ازری به نیشابور و

۷- سفرنامه چاپ دبیر سیاقی ص ۱۲۸-۱۲۲

۸- مروج الذهب مسعودی چاپ مصر ص ۲۳۲

سرخس و بعد به مرو نزول اجلال فرمودند. راه نیشابور و مرو از حدود سرخس می گذشت و رباط شرف که یادگار دوران سلجوقی است هنوز بر سر این راه واقعست. حمدالله مستوفی که در زهة القلوب راههای ایران را ذکر کرده به این مطلب اشاره کرده است (گدار: آثار ایران ج ۴-۱۹۴۹ ص ۷).



نقشه راههای قدیم : مرند - طوس (خراسان)

طلوع حضرت در خراسان منبع فیض و برکت شد. اخباری که درباره کرامات آن حضرت نوشته اند همه مربوط به این سفر می شود از جمله در تاریخ نیشابور آمده است (۹) که حضرت در سال دویست هجری به نیشابور وارد شدند و در محله قز در کوچه پلاس آباد سکونت اختیار فرمودند و به حمای تشریف بردند که بنام ایشان حمام سلطان نامیده شد و کراماتی در آن شهر از حضرت به ظهور پیوست. و حدیث سلسله الذهب را که مشهور است در همین سفر فرمودند. صنیع الدوله در مطلع الشمس می نویسد (۱۰) حضرت رضا (ع) چون در نیشابور به قریه حمراء رسیدند آب قدمگاه پدیدار شد و بعد در سناباد به دارحمید بن قحطبه طائی رفتند و بعد به سرخس و از آنجا به مرو سفر کردند.

جریان ولیعهدی حضرت به سراسر کشورهای اسلامی ابلاغ شد. مامون در مرو با حضرت به تخت نشست و بنام حضرت درهم و دینار سکه زدند (سنه ۲۰۱ هجری) و شعار سیاه عباسیان به سبز تغییر کرد. و مامون به قولی دختر یا خواهر خود ام حبیب و به قولی دیگر دختر خود زینب را به حضرت تزویج کرد و خود پوران دختر حسن بن سهل سرخسی را به عقد ازدواج درآورد. و این دو ازدواج در يك زمان صورت گرفت. بعد از بیعت مامون و انتشار خبر ولیعهدی حضرت رضایین سران بنی عباس اختلاف روی داد زیرا معتقد بودند که این بیعت خلافت را از خاندان عباسی بیرون خواهد برد بهمین جهت تصمیم به خلع مامون گرفتند و با ابراهیم بن مهدی الاسود معروف به ابن شکله بیعت کردند و میخواستند اسحاق بن موسی الهادی را به ولیعهدی انتخاب کنند و به قولی با ابراهیم بن مهدی عموی مامون بیعت کردند و باو لقب المبارک دادند (۱۱). در هر حال چنانکه گفته شد شورش بغداد و مخالفت سران عباسی بتدریج زیاد شد تا آنجا که در محرم سنه دو بیست هجری مهدی عموی مامون، خود را خلیفه خواند (۱۲). در تاریخ الفخری آمده است که سه نفر از سرداران بنام عیسی جلودی و ابویونس و علی بن ابی عمران هم که بیعت مامون و ولیعهدی حضرت را قبول نکرده بودند بجرم تمرد زندانی شدند.

فضل چون ایرانی بود و نسبت به حضرت رضا (ع) اخلاص تمام داشت سعی می کرد مشکلات را از میان بردارد ولی فعالیت او به ثمری نرسید و مامون نسبت به او بدگمان شد تا این که در روز عید (بنا بر مشهور عید فطر) مامون از حضرت رضا خواهش کرد برای ادای نماز و برگزاری مراسم عید به مصلی مرو بروند. حضرت به تفصیلی که در کتب مربوط مسطور است عازم شدند و مورد استقبال بی سابقه مردم قرار گرفتند و چنانکه نوشته اند جمع کثیری از طلوع فجر صادق انتظار موكب حضرت را داشتند. لشکریان و سرداران همگی پیاده شدند و مراسم احترام بجای آوردند. وقتی جریان امر به سمع مامون رسید تصمیم گرفت حضرت را از انجام خطبه بازدارد و بعد باتفاق ایشان به سرخس

۱۱ - تاریخ ایران سرپرسی سایکس - تفصیل مطلب و جریان ولیعهدی حضرت

رامفصل دارد. ۱۲ - حبیب السیر

رفت و در آن جا به طوریکه نوشته اند غالب بن حکیم مقتع و چند نفر دیگر فضل را به تحریک مامون در حمام سرخس کشتند (۲۰۲ هجری). قولی هم هست (قول یاسر) که حضرت را هم به حمام دعوت کردند ولی حضرت نرفتند اما مامون برای حفظ ظاهر قاتلین فضل را قصاص کرد و کشت (۱۳).

بعد از این واقعه به طوس آمدند و در آنجا بود که نقشه شهادت حضرت طرح و اجرا شد. ظاهر آن مجلس ضیافت در دستجرد یادستگرد بوده است. این ده امروز جزو دهستان تبادکان بخش حومه مشهد است و در سه کیلومتری جنوب غربی کشف رود قرار دارد (۱۴).

جریان حادثه را همه شنیده ایم بوسیله انگور زهر آلودیا انار (۱۵). در مجمل فصیحی شعری است که گوینده آن معلوم نیست ولی می رساند که روایت انگور بیشتر متواتر بوده است:

زهر چشید از عنب شیر خورد زان سبب همچو بنات بهشت بر لب جوی لبین
دعبل خزاعی شاعر معروف عرب که با حضرت معاصر بوده است مرثیه ای در
ثناء امام همام دارد که مانند قصیده مدحیه او: مدارس آیات خلت الخ، مشهور
است. تاریخ این حادثه را مختلف نوشته اند آخر سال ۲۰۲ یا اوایل سال ۲۰۳ هجری (۱۶).
حضرت را بشرحی که در کتب مسطور است در سناباد بخاک سپردند و از آن پس
دیه سناباد از برکت امام (ع) روزبه روز آباد تر شد و شهر مشهد بوجود آمد که قبله گاه
نیازمندان و صاحبان است چنانکه خواجه شیراز گوید:

گوبرو و آستین بخون جگر شوی هر که در این آستانه راه ندارد

جلال شریعت ترشیزی

۱۳- ابن اثیر - طبری - مجمل فصیحی - تاریخ اسلام استاد فیاض

۱۴- فرهنگ جغرافیایی آرتش ۹ ص ۱۶۸- مجمل فصیحی ج ۱ ص ۲۷۲

۱۵- روضات الجنات اسفزاری ص ۱۸۵- حبیب السیر - روضة الصفا - تاریخ گزیده

۱۶- وفيات الاعیان ابن خلکان